

بقیه از صفحه ۹

در مقابل موج اعتراض جهانی، وزیر کار و امور اجتماعی رژیم در اجلاس سازمان بین‌المللی کار با وقاحتی فوق تصور اعلام کرد: «کنش‌شدگان در در حادته شهربابک شهروندان عادی بوده‌اند نه کارگر معدن!»

واقعیت این است که رژیم برای حل مشکلات اجتماعی و اقتصادی و مقابله با فقر فزاینده، بیکاری و اعتیاد در ابعاد میلیونی، جز اعمال خشونت و سرکوبی، روش دیگری نمی‌شناسد. بنابراین، تا این رژیم خونریز بر سر قدرت است، چوبه‌های دار نیز هم‌چنان پریاست.

چالشها و موقعیت مقاومت

ع مقاومت ایران در سال گذشته، در نبردی سرنوشت ساز با رژیم ارتجاعی حاکم، با چالشهای بسیار مواجه بود.

مقاومت ایران پس از عبور از دوران جنگ و بمباران در عراق و پس از امضای قرارداد آتش‌بس در جنگی که در آن هیچ دخالتی نداشت و پس از توافق بر سر «جمع‌آوری تسلیحات و گردآوری نفرات» با یک سلسله آزمایشها و چالشهای سهمگین و بی‌سابقه روبه‌رو گردید که منشأ و قوه محرکه آن، توطئه‌ها و زد و بندهای رژیم آخوندی برای در هم شکستن و انهدام این مقاومت بود.

رژیم به‌منظور نابودی جنبش مقاومت به مقابله دشمن اصلی خود و هم‌چنین برای عبور از سد و مانع اول در برابر صدور بنیادگرایی و بلعیدن عراق، پیگیرانه دست‌اندرکار طراحی و پیشبرد توطئه‌های بزرگ برای اخراج و استرداد مجاهدین و رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی ایران گردید. این، یک تک هم‌هانگ و زنجیره‌ای با زمینه‌سازهای و جوسازهای سیاسی و تبلیغاتی بود که از استرالیا تا آمریکا و انگلستان و فرانسه و آلمان و ایتالیا و اردن و سوریه و عراق گسترده بود. رژیم می‌خواست عرصه را بر مقاومت هر چه تنگ‌تر کند و با مال آن را نیست و نابودسازد.

آخوندها بودجه کلانی راه، همراه با انواع و اقسام امتیازهای تجاری و سیاسی و امنیتی، برای پیش بردن توطئه‌شان اختصاص داده بودند. مزدورانشان در عراق را هم از هر سو به‌کار گرفتند و از طریق تسمیه و تهدید، به‌کار گرفتن دهها فرستنده و ایستگاه رادیو تلویزیونی، خریدن برخی مطبوعات و انبوهی نفرات، کوشیدند توطئه خود را محقق کنند و پایه‌های نفوذشان در عراق را هم تحکیم و تثبیت نمایند. ۷- ترفند مزورانه و میان‌پهنی دیگری که از سوی رژیم به‌کار گرفته شد و هنوز هم می‌شود، پیشنهاد مبادله اعضا و بعضی رهبران بازداشت‌شده القاعده با مجاهدین بود؛ پیشنهادی که از برخی «دل می‌بود» و رژیم آن‌را طی یکسال گذشته بارها و بارها از طریق دولتهای مختلف عرضه کرد. در همین راستا بود که دفتر شورای ملی مقاومت ایران در واشینگتن تعطیل و داراییهای آن بلوکه شد.

روزنامه واشینگتن پست در ۱۹ تیرماه زیر عنوان «فرستهای از دست رفته» قسمتی از طرح رژیم مبنی بر استرداد ۶۵ نفر از مجاهدین را برای محاکمه یادآوری نمود و نوشت:

«آن‌چه در توجه دقیق به روابط ایران و آمریکا گزنده است، این است که این روابط منجر به طرحی برای یک معامله «صد تروریستی» شد که هر دو کشور باید شیفته آن می‌بودند: ایران چند تن از فعالان ارشد القاعده را که در بازداشت داشت تحویل می‌داد و تعدادی از زندانیان مجاهد خلق را از آمریکا تحویل می‌گرفت...

اثنا بسیاری از داراییها و اموال آنها هم به‌یغما رفت.

۱۰- هم‌زمان آخوندها برای استرداد و اخراج نیروهای مقاومت ایران از عراق، به هر نحو ممکن تلاش کردند.

در نقطه اوج این تلاشها، که خامنه‌ای و رفسنجانی سرخ‌نخ آن را در دست داشتند و خاتمی و خزازی و بونسی و سپاه پاسداران و سپاه قدس مجریان آن بودند، شورای حکومتی منحلۀ عراق، در روز ۱۸ خرداد (۹ دسامبر ۲۰۰۳)، حکم سفارشی خامنه‌ای و رفسنجانی مبنی بر اخراج مجاهدین از عراق و مصادره اموالشان را بیرون داد. این حکم، توسط آخوند عبدالعزیز حکیم، رئیس دوره‌ی شورای حکومتی (برای ماه دسامبر)، از تهران آورده شده بود.

در این هنگام رژیم حاکم بر ایران، در شورای حکومتی عراق دست بالا را داشت و بی‌جهت نبود که رژیم آخوندی اولین دولتی بود که از زبان خاتمی این شورای حکومتی را بره‌رسیمت شناخت.

حکم شورای حکومتی علیه مجاهدین، از اول تا آخر، بر خلاف قوانین، کنوانسیونها و معاهدات بین‌المللی صادر شده بود که عراق رسماً بدانها پایبند بود و نیروهای متلاف نیز مؤظف به رعایتشان بودند. طبق این حکم تمامی نیروهای مقاومت ایران می‌بایست طی سه هفته خاک عراق را ترک کنند، ضرب‌الاجلی که حتی برای ارتش و دولت آمریکا هم عملی و قابل اجرا نبود. نتیجه این که مجاهدین می‌بایست در پایان هفته سوم، به جانب خاک ایران رانده شده و تحویل رژیم می‌گردیدند، به‌خصوص که خاتمی هم رسماً خواستار استرداد آنها شده بود. به‌این ترتیب، جنبش مقاومت با شرایطی سهمگین و با چالشی بی‌سابقه روبه‌رو گردید.

۱۱- یک روز پس از صدور حکم ننگین شورای حکومتی، واشینگتن پست ۱۹ خرداد ۱۳۸۲ (۱۰ دسامبر ۲۰۰۳) نوشت:

«در یک اقدام تعجب برانگیز که ممکن است تعادل قوای منطقه را به‌هم بزند، شورای حاکم عراق در پیروزی رای داد که گروه پیشتاز مخالف ایرانی را اخراج کرده و اموالشان را ضبط نماید. این قطعنامه خواهان اخراج ۳۸۰۰ نفر از اعضای این گروه تا آخر ماه است...

تصمیم به اتفاق آرای شورای عراقی، علیه مجاهدین خلق یک دستاورد قابل ملاحظه سیاسی و امنیتی برای ایران است و ممکن است منجر به رانده شدن این سازمان به حاشیه یا حتی حذف آن به عنوان یک جنبش اپوزیسیون مؤثر، بشود.

این اقدام هم‌چنین بیانگر یک سرفصل در سیاست آمریکا می‌باشد. آینده این گروه اپوزیسیون ایرانی به نحوی حاد در درون دولت بوش به بحث گذاشته شده است.

به گفته مقامهای آمریکایی و دیپلماتهای اروپایی، دولت آمریکا طی ماهها زیر فشار فزاینده متحدان اروپایی و سایر متحدانش قرار داشته تا مجاهدین خلق را سرکوب کند و با آن مانند یک گروه تروریستی رفتار نماید. دیروز مقامهای آمریکایی گفتند که واشینگتن این آمادگی را دارد که به عراقها اجازه دهد علیه مجاهدین خلق دست به اقدام بزنند.

زمانبندی این امر جالب است. تصمیم شورای عراقی در زمانی گرفته شد که پادشاه اردن، ملک عبدالله، به نحوی بی‌سر و صدا تلاش کرده است که برای تحویل دادن حدود ۷۰ عضو فعال القاعده، که توسط ایران نگهداری می‌شوند، در مقابل اقدام ایالات متحده علیه مجاهدین خلق، میانجیگری کند.

احمد چلیبی، عضو بلند پایه شورای حکومتی، که پیوندهای نزدیکی هم با آمریکا و هم با

گفتگوی آمریکا و ایران به‌طور جدی بعد از ۱۱ سپتامبر آغاز شد... در طول جنگ افغانستان و دوره بلافاصله پس از جنگ، دیدارها حداقل ماهی یکبار برگزار می‌شد...

دو طرف در یک دیدار مخفی در ژنو مبادله دستگیر شدگان «تروریست» را بررسی کردند. ایرانیان متعهد شدند به‌منظور آرام کردن نگرانیهای حقوق‌بشری آمریکا، اغلب ۴۰۰۰ زندانی مجاهد خلق را مشمول یک عفو عمومی قرار دهند و از مجازات اعدام در مورد حدود ۵۶۵ تن از رهبران آنها که می‌بایست (پس از استرداد به ایران) در دادگاههای ایران محاکمه شوند، چشم‌پوشی کنند...

واشینگتن پست شاید اطلاع نداشته - یا لازم به ذکر ندرید - است که به گفته خاتمی و خزازی، وزیر خارجه یک دولت غربی در سفر به تهران به‌دار آویختن ۲۰ تن از این ۶۵ نفر را «قابل قبول» خوانده بود. به نوشته دیلی تلگراف (۱۶ تیر) این آقای وزیر همان کسی است که برای خوشامد آخوندها، لیست اسامی ۱۲ امام شیعیان را هم در سفرش به تهران در جیب داشت و وقتی اسم پیغمبر اسلام می‌آمد، صلوات هم می‌فرستاد!

۸ - شایان یادآوری است که از این پیشتر، رژیم آخوندها به رسم معمول خود توانسته بود سرویسهای اطلاعاتی را با دادن اطلاعات غلط درباره تسلیحات کشتار جمعی عراق، بفریبد، ولی در نهایت سرویسهای اطلاعاتی آمریکا به‌روشنی دریافتند که شماری از عناصر موسوم به معارضه (اپوزیسیون) عراقی، مانند احمد چلیبی، عوامل وزارت اطلاعات رژیم ایران بوده‌اند که سالها در پوشش اپوزیسیون عراق، ایفای نقش می‌کرده‌اند. هدف رژیم همانا کشاندن آمریکا به جنگ با عراق به‌منظور منحرف کردن رژیم برای دستیابی به سلاح اتمی بود.

انبوهی اطلاعات غلط نیز در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران و شورای ملی مقاومت ایران توسط همین‌گونه کانالها به‌خورد سرویسهای اطلاعاتی کشورهای مختلف داده شده بود.

رئیس‌جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت ایران در روز ۳ ژوئیه ۲۰۰۳ پس از آزادی خود از زندان، بر همین واقعیت انگشت گذاشت.

۹- رژیم آخوندها، که از به انحراف کشاندن سرویسا و سیاستگذاران غربی در مسأله عراق منافع کلان برده بود، در سال گذشته کوشید که بر همین سیاق، با نفوذ دادن مأموران خود با ماسکهای مختلف، با نشر اطلاعات غلط و با کارزار شیطان‌سازی از مقاومت، توطئه خود را به‌ثمر نبداند.

کانالهای مذاکره مستقیم با آمریکا به‌کار گرفته شدند، حسب‌المعمول انگلستان نقش واسطه را ایفا کرد. تبلیغات آخوندی علیه مقاومت ایران به منتهی درجه رسید و هم‌زمان آخوندها، پولهای کلانی برای انتشار صدها گزارش مجعول و مقاله و کتاب و نشریه علیه مجاهدین خرج کردند. آن‌قدر که نایب رئیس فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر و رئیس جامعه حقوق بشر فرانسه، رژیم آخوندها را دولتی توصیف کرد که علیه مجاهدین «تلی از مدارک مختلف تبلیغاتی توسط سفارت ایران در فرانسه پخش می‌کند».

احمد فشاره، گروه‌کشی، باج‌دهی، رشوه‌پردازی، صحنه‌سازی و زد و بند، با به‌کارگیری همه شیوه‌ها و ابزارهای سیاسی، دیپلماتیک، تبلیغاتی، مذهبی و تروریستی به‌ویژه در عراق بالا گرفت. از این رو، از تابستان گذشته، پس از «بازداشت» مجاهدین در اشرف، روزی نبود که بر محدودیتهای آنها افزوده نشود. در همین

ایران دارد، این قطعنامه (حکم شورای حکومتی) را معرفی کرد. او که یک مسلمان شیعه است، بنا به گفته یک منبع عراقی، اخیراً به ایران سفر کرده است. اغلب ۲۴ عضو شورای حکومتی عراق در ماههای اخیر به ایران سفر کرده‌اند. این اقدام که ایران را از نگرانیهایش آسوده‌خاطر خواهد کرد، مجاهدین خلق را از تنها امکان دسترسی مستقیم‌شان به ایران محروم خواهد کرد. حالا دیگر هیچ گروه اپوزیسیون جدی در کنار هیچ کدام از مرزهای ایران وجود ندارد.

یک سؤال پاسخ داده نشده این است که سرنوشت مجاهدین خلق چه خواهد شد. قطعنامه شورای حکومتی عراق خواستار بسته شدن مرکز مجاهدین خلق در بغداد و ممنوعیت اغتشاش از هرگونه فعالیت سیاسی تا قبل از خروجشان از عراق است. قطعنامه هم‌چنین خواستار ضبط کلیه اموال و سلاحهای مجاهدین می‌باشد.

۱۲- خبرگزاری رسمی رژیم در روز ۲۵ آذر به‌نقل از یک مقام امنیتی وزارت اطلاعات آخوندها، که او را «کارشناس مسائل استراتژیک و استاد دانشگاه» معرفی می‌کرد، اعلام نمود:

«اگر قرار باشد برخی از اعضای گروهک منافقین عفو با مجازات شوند، بهتر است عفو با مجازات آنها در ایران انجام شود. این بهترین جایگاه و پایگاه برای آنهاست. علیرضا اکبری، با اشاره به موضع دولت مبنی بر این که جمهوری اسلامی ایران افراد رده‌پایین گروهک تروریستی منافقین را که از کشور فرار کرده بوده‌اند، می‌پذیرد، گفت: جداسازی بدنه، باید یکی از سیاستهای جمهوری اسلامی ایران در قبال این گروهک باشد...

وی با بیان این مطلب که ایران می‌تواند افراد محوری و تشکیل‌دهنده ساختار اصلی گروهک منافقین را تحویل بگیرد و محاکمه کند، اظهار داشت: باید در این مسیر ابزار دیپلماسی رسمی یعنی وزارت امور خارجه با ابزار دیپلماسی امنیتی یعنی وزارت اطلاعات هماهنگ با یکدیگر عمل کنند.

وی سیاست ایران را مواجه‌کردن منافقین با نیروهای امنیتی مناطق داخلی عراق مثل نیروهای سپاه بدر و کراک، ذکر کرد و تصریح نمود: هدف محوری جمهوری اسلامی ایران می‌بایست پاک کردن و حذف این تشکیلات تروریستی باشد.

وی ادامه داد: اثرات منفی این گروهک نه‌تنها امنیتی داخلی ایران بلکه امنیت منطقه را به‌خطر می‌اندازد.

وی در پایان استراتژی جمهوری اسلامی ایران را چنین ذکر کرد: جداسازی بدنه گروهک از مرکزیت و... بافشاری و تأکید بر ضرورت محاکمه و مجازات عناصر اصلی و محوری این سازمان از طریق فعالیت‌های رسمی و دیپلماسی امنیتی».

۱۳- سازمان مجاهدین خلق ایران در روز ۱۸ آذر، بلادرنگ پس از صدور حکم شورای حکومتی عراق، اعلام کرد:

«اولاً این بیانیه صرفاً منعکس‌کننده آرزوها و اوامر رژیم آخوندی است که سازمان مجاهدین خلق ایران را بزرگترین منبع گسترش بنیادگرایی و استقرار استبداد مذهبی دست‌نشانده در عراق می‌داند.

ثانیاً - حضور مجاهدین در عراق به‌عنوان یک کشور تحت اشغال، در چارچوب کنوانسیونهای ژنو است و این گونه بیانیه‌ها و اظهارات که از سوی رژیم آخوندی دیکته شده است هیچ تأثیری روی آن ندارد.

ثالثاً - حضور مجاهدین در عراق با استقبال اکثریت قاطع مردم این کشور، به‌ویژه عشایر و مردم شرق استان دیالی (محل قرارگاه اشرف)، مواجه است... بقیه در صفحه ۱۱